

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، یازدهم اپریل ۲۰۱۰

مشکلات املائی دری زبانان

(بخش ششم)

جمعبندي در زبان دری

و

شان نزول "جات" و "چتیا"

وقتی از جمعبندي کلمات سخن می‌رود، مراد از کلماتیست که قابلیت جمع شدن را دارند. در مورد "جمع ساختن کلمات" در زبان دری در کتابهای "دستور زبان دری و فارسی" همیشه و به تفصیل سخن رفته است؛ و غالباً هم بهمان شکل متحد المال و کلیشه‌ئی. بررسی حاضر، در حالی که بر مطالعه کلاسیک و متعارف موضوع نظر دارد، نکاتی را خواهد سفت، که در چنین کتب از آنها مشخصاً و بصراحت سخن نرفته، یا که رفته باشد و از نظر این مسکین غائب مانده است: همان طور که همه میدانیم، در "زبان دری" به دو نوع جمعبندي کلمات روبرو می‌باشیم؛ یکی "جمعبندي دری" و دگر "جمعبندي عربی".

۱ - جمعبندي دری:

در زبان دری دو علامت اصیل جمعبندي را در اختیار داریم، که عبارتند از "ها" و "آن". ترتیب استعمال هر دو نیز بر همه کس و همگان روشن است. در یک کلام میتوان گفت که ادات "ها" را میتوان برای تمام کلمات قابل جمعبندي بکار برد، در حالی که ادات "آن" بیشتر مخصوص انسان است و در پاره‌ای از موارد برای "غیر انسان" نیز بکار می‌رود. در بحث فعلی این نکته میرهن را، نمیخواهم بشگافم و میروم سراغ نکات مد نظر:

جمع با ادات "ها":

اینکه کدام کلمات را میتوان با "ها" جمعبندي کرد، مشخص است و ما میدانیم که در دری امروز، هر کلمه قابل جمعبندي را از هر قماش و اصل و تبار که باشد، میتوانیم با ادات "ها" جمع بسازیم. سؤال عمده در این است که:

آیا ادات "ها" را باید یکجا با "کلمه" نوشت و یا جدا از آن؟؟؟

تعامل طوریت، که ظاهراً هر دو حالت درست پنداشته شده و هر دو صورت را بالسویه مجاز و مشروع دانسته اند؛ یعنی:

- "انسان ها" = "انسانها"
 - "جنگل ها" = "جنگلها"
 - "موی ها" = "مویها"
 - "سیب ها" = "سیبها"
 - "گدام ها" = "گدامها"
 - "غلام ها" = "غلامها"
 - "زمین ها" = "زمینها"
 - "زمان ها" = "زمانها"

و غیر هم.

من مگر بدلائل ذیل بدین عقیده میباشم، که "ها" باید حتماً و هرو مرو و بالضرور، چسپیده و پیوسته با خود کلمه مورد جمعبندی، نوشته شود؛ زیرا:

- کلمه ای که جمعبندی گردیده، یکجا با ادات "ها"، یک کلمه "واحد" را میسازد و وقتی که چنین است، باید به حیث کلمه "واحد" هم نوشته شود!!!

- در تمام حالات دیگر، "کلمه جمع" بحیث "کلمه واحد" عرض وجود میکند. به مثالهای متعدد و مختلف النوع ذیل توجه گردد:

- خوانندگان، نویسندگان، بچگان، انسانان، شاگردان، مردان، زنان، دختران، پسران، خران، اسپان، گنجشکان، ...
 - مکاتب، اخبار، ضمام، ملل، قواء، عساکر، لوايح، عناصر، عمله، فعله، خدمه، خدم، حشم، قبور، اسراء، علماء، فضلاء، شعراء، ابناء، اطوار، اقوال، اسرار، ابدال، بلاد، بلدان، محن، فتن، ...

- معلمین، معلمون، معلمات، مسیحیین، مسیحیون، محصلین، محصلون، محصلات، انقلابیون، ...
 - محصولات، معلومات، تشکیلات، بقولات، مراسلات، مواصلات، مؤسسات، ریاضیات، طبیعیات، ...
 - در تمام زبانها - بشمول زبانهای فرنگی - "علامت جمع" با خود "کلمه" بصورت چسپیده و یا حتی "درآمیخته" با آن، نوشته شده و بحیث جزء لایتجزای "کلمه جمع" شمرده میشود.

با این شرح بدین نتیجه میرسیم، که علامت "ها" باید حتماً و بالضرور، پیوسته با اصل "کلمه" نوشته شود!!!!!!

به منظور تشریح بهتر و عملی موضوع، مثالهای فراوان را در زمینه پیش میکشم. مگر پیش از آن توجه خواننده گرامی را به دو دسته حروف الفباء جلب میکنم. یکی حروف "ناچسپ" و دیگر حروف "چسپنده". اصطلاحات "ناچسپ" و "چسپنده" را خود این بنده وضع کرده است، چون دستورنویسان تاکنون حروف الفبای دری را بدین صورت و با این نام و نشان، از هم تفریق نکرده اند:

- "الف، دال، ذال، راء، زاء، واو، های غیرملفوظ" را حرفهای "ناچسپ" می نامم، چون با حرف بعد از خود هرگز نمی چسپند. حرف "ژ" نیز که از همین جمله است، مورد توجه بررسی حاضر نمیشد، چون کلمات مختوم به "ژ" در زبان دری بسیار نادر اند.
 - متباقی حروف الفباء همه "چسپنده" اند، زیر با حرف بعدی می چسپند.

مثال از کلمات مختوم با حروف "چسپنده":

جایها، جویها، گامها، قلمها، ظلمها، زبانها، انسانها، قفسها، کتابها، جایگاهها، آرامگاهها، راهها، چاهها، ماهها، کوهها، دَها، دَها، کلاها، گروهها، سالها، بالها، سوالها، جوالها، دیوانها، کلانها، بیابانها، آبدانها، سامانها، جوانها، جانها، سازمانها، اندامها، ناقصها، باعثها، قزاقها، رواقها، قدمها، صنمها، انجمنها، حرمسرایها، کاروانسرایها، طبیعتها، وصیتها، نصیحتها، راکتها، ساکتها، مزاجها، مرچها، برجها، کلوخها، میخها، سیخها، رنگها، دوشکها، بالشها، موشها، پشکها، چوشکها، سیمها، مرامها، وسطها،
 طوری که امثله بیشمار بالا نشان میدهند، "ها" در چنین حالات با خود "کلمه" چسپیده است.

مثال از کلمات مختوم با حروف "ناچسپ":

- الف :
 طلاها، دواها، ملاها، مقواها، توتیاها، سینماها، بلاها، فرداها، دیده دراها، سراها، جولاها، بالاها،
 - دال :
 بدها، بندها، سبدها، عددها، لگدها، سدها، صدها، عیده، نویده، مقلدها، مولدها، رویدادها، شدادها، شاهدها،
 - ذال :
 کاغذها، منفذها، التذاذها، شاذها، تعویذها، ملاذها، تلذذها، لذیذها،
 - راء :
 عمرها، مورها، انبورها، تنبورها، معمارها، دیوارها، مادرها، خواهرها، کشورها، مارها، پندارها، وطندارها،

- زاء:

طرزها، روزها، مرزها، میزها، آبریزها، ترازها، سازها، بازها، رازها، نیازها، آواها، بزازها، ممتازها،

- واو:

جلوها، آبروها، جَوها، جُوها، موها، روها، عموها، جادوها، سبوها، ترازوها، داروها، یابوها، کندوها، پتوها،

- های غیرملفوظ:

علامه ها، دسته ها، پرنده ها، جمله ها، نقطه ها، زبده ها، دروازه ها، خوازه ها، ستاره ها، سیاره ها، قواله ها،
چنانکه از مثالهای فراوان فوق دیده میشود، "ها" با این کلمات چسبیده نمیتواند. باید توجه داشت که در چنین موارد، بین کلمه مورد جمعبندی و "ها" هیچ فاصله ای - باستثنای "فاصله تخنیکی" که اجتناب نپذیر است - وجود نیاید.

۲- جمعبندی عربی:

در زبان عربی دو نوع "جمع" وجود دارد:

۱ - "جمع سالم"، که بنیاد "مفرد" در آن ویران نميگردد و گویا "سالم" میماند.

۲ - "جمع مکسر" یا "شکسته"، که ضمن آن "ساخت" و "بافت" کلمه "مفرد" در آن تغییر میخورد و گویا میشکند.
جمع سالم از تمام کلمات ساخته نمیشود و سه علامت دارد:

- "ون" برای "مذکر" در حالت فاعلی:

معلمون، عالمون، کاتبون، محصلون، مسلمون، مفسدون، مسیحیون، کلیبون، صلیبیبون، منطقیبون، مذهیبون، حواریون، رواقیون، لغویون، نظر به قانون "نحو عربی"، چنین کلمات در جمله بحیث "فاعل" استعمال میگردند.

- "ین" برای مذکر در حالت "مفعولی" - "مفعول صریح" (مفعول بیواسطه) و مفعول بواسطه:

معلمین، کاتبین، محصلین، مسلمین، روحانین، کلیبین، صلیبیبین، رواقیین، سوفسطائیین، لغویین، مسیحیین،
این کلمات در جمله بحیث "مفعول" استعمال میگردند، یعنی که یا فعل جمله بر آنها وارد میگردد (مفعول بیواسطه) و یا که یکی از حروف اضافت بر آنها می نشیند (مفعول بواسطه).

در زبان دری جمعبندی با "ین" نسبت به "ون" تداول بیشتر دارد. اما باید دانست که:

در زبان دری بهتر است که از جمعبندی با "ون" و "ین" اصلاً خودداری گردد و در عوض از علامت جمع دری "آن" استفاده شود. مثلاً در عوض "محصلین، معلمین، متعلمین، مشوقین، مولدین، مرتجعین، منافقین، مشرکین، مفسدین، موکلین، مقلدین، ..." باید ترکیبات "محصلان، معلمان، متعلمان، مشوقان، مولدان، مرتجعان، منافقان، مشرکان، مفسدان، موکلان، مقلدان" استعمال شوند و آن به دلایل ذیل:

- چون چنانکه در بالا گفته شد، این کلمات جمع در کلام عرب در "حالت مفعولی" استعمال میگردند، در حالی که همینها را در زبان دری، فارغ از "حالت" - فاعلی و مفعولی و اضافی - استعمال میکنیم.

- چون کلمات جمع شده با "ین" مخصوص "مذکر" است و جنس مؤنث را دربر گرفته نمیتواند. ازینرو در صورت استعمال "محصلین" باید "محصلات" هم آورده شود، تا تمام طیف تحصیل کنندگان یک دستگاه تحصیلی را احتواء کرده بتواند. عیناً بمانند "محصلین و محصلات" باید "متعلمین و متعلمات" و "معلمین و معلمات" و غیره نیز توأمان گفته شوند، تا مفهوم کلی را در بر گرفته بتواند.

- "ات" برای "مؤنث"، خواه فاعل واقع گردد و یا مفعول:

این ادات جمع با وجودی که ذاتاً خاص "مؤنث" میباشد، در حالات ذیل تطبیق میگردد:

- تمام کلمات مؤنث که مختوم با تای مدور "ة" (های غیرملفوظ - در تحریر دری) باشند:

مشکله - مشکلات؛ معضله - معضلات؛ ممکنه - ممکنات؛ طریقه - طریقات؛ صحیفه - صحیفات؛ صناعه - صناعات؛ رقیمه - رقیمات؛ مشالفه - مشالفات؛ محصله - محصلات؛ متعلمه - متعلمات؛ شکایت - شکایات؛ رساله - رسالات؛

تمام مصادری که بیشتر از سه حرف داشته باشند. امثله فراوان ذیل موضوع را واضح میسازد.

- مثال از مصادر "مجرد":

نوسان - نوسانات؛ جریان - جریانات؛ بیان - بیانات؛ حکایت - حکایات؛ شکایت - شکایات؛ صنعت - صناعات؛ روایت - روایات؛ جنایت - جنایات؛

- مثال از مصادر "مزید فیه":

ازین زمره برای "زبان دری" هشت مصدر اول از "مصادر دوزاده گانه"، حائز اهمیت اند. ازینرو هر کدام را مشخصاً از نظر میگذرانم:

باب "تفعیل":

تشکیل - تشکیلات؛ تغییر - تغییرات؛ تزئین - تزئینات؛ تشریح - تشریحات؛ توضیح - توضیحات؛ ترتیب - ترتیبات؛ تمهید - تمهیدات؛

باب "افعال" :

اقدام - اقدامات؛ امکان - امکانات؛ ابداع - ابداعات؛ ایضاح - ایضاحات؛ ایجاب - ایجابات؛ افراز - افرازات؛ اعلان - اعلانات؛ الزام - الزامات

باب "مفاعله" :

معامله - معاملات؛ مکالمه - مکالمات؛ مسابقه - مسابقات؛ مطابقه - مطابقات؛ مروده - مرادات، مفاهمه - مفاهمات؛ مناقشه - مناقشات؛ مناسبت - مناسبات؛ مجادله - مجادلات

باب "تفعل" :

تغیر - تغییرات؛ تحول - تحولات؛ تشوش - تشوشات؛ تشنج - تشنجات؛ ترشح - ترشحات؛ ترسب - ترسبات؛ تصور - تصورات؛ تتبع - تتبعات؛ تبدل - تبدلات؛ تصنع - تصنعات

باب "تفاعل" :

تلاطم - تلاطّات؛ تشابه - تشابهات؛ ترادف - ترادفات؛ تصادف - تصادفات؛ توافق - توافقات؛ تظاهر - تظاهرات؛ تراجم - تراجمّات؛ تناقض - تناقضات

باب "افتعال" :

اکتساب - اکتسابات؛ ابتکار - ابتکارات؛ التزام - التزامات؛ اطلاع - اطلاعات؛ اقتراح - اقتراحات؛ اشتباه - اشتباهات؛ اتفاق - اتفاقات؛ اقتباس - اقتباسات؛ اشتهار - اشتهارات

باب "انفعال" :

انکسار - انکسارات؛ انعکاس - انعکاسات؛ انسداد - انسدادات؛ انفجار - انفجارات؛ انقلاب - انقلابات؛ انقیاد - انقیادات

باب "استفعال" :

استدلال - استدلالات؛ استخبار - استخبارات؛ استقلال - استقلابات؛ استعانه - استعانات؛ استحصال - استحصالات؛ استغاثه - استغاثات؛ استفسار - استفسارات؛ استحکام - استحکامات؛ استقامه - استقامات؛ استثمار - استثمارات

تذکر ضروری و درخور توجه جدی:

"ات" ادات جمعبدی عربی و مخصوص "کلمات عربی" میباشد. ازینرو جمع بستن کلمات "غیر عربی" - به شمول کلمات دری و پشتو و هندی و فرنگی و مغولی و ترکی و غیره - کاملاً خلاف قاعده و نادرست است. بناءً نباید کلماتی از قبیل "میوه، سبزی، ترشی، کارخانه، فابریکه، پرزه" را به شکل "میوه جات، سزیجات، ترشیجات، کارخانجات، فابریکه جات، فابریکات، پرزه جات" جمع ببندیم. در تمام مثالهای بالا و مثالهای همگون آنها که به هزاران میرسند، باید در عوض "ات" از "ها" استفاده گردد!!!!!!

در بخش بعدی قسمت متباقی بحث جمعبدی دنبال خواهد گردید.